



سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۲۲ بهار ۱۴۰۳

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

بررسی جلوه‌های طبیعت در غزلیات سلمان ساوجی

فرشته آبیاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۶۳ تا ص ۷۸)

 [10.22034/CAAT.2024.193931](https://doi.org/10.22034/CAAT.2024.193931)

چکیده:

توصیف طبیعت یکی از بارزترین مضامین مورد استفاده‌ی بسیاری از شاعران پارسی‌گو بوده است و آن‌ها از گذشته‌های دور با جلوه‌های طبیعت، انس و الفت فراوانی داشته‌اند. تأثیر و بازتاب این جلوه‌ها، با توجه به نوع نگرش و طرز تفکر شاعران، تنوع وسیعی از تصاویر شعری را به نمایش می‌گذارد. طرز تلقی آن‌ها از طبیعت، نشان‌دهنده‌ی افکار، اندیشه‌ها و احساسات آن‌ها است. مسأله‌ی اصلی در این مقاله، بررسی جلوه‌های طبیعت در غزلیات سلمان ساوجی است. بدین منظور ابتدا غزلیات وی مورد مطالعه قرار گرفته و بیت‌هایی که بیانگر عناصر طبیعت بوده، استخراج گردیده و سپس به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته شده است. بسامد عناصر طبیعت در غزلیات سلمان ساوجی، بسیار چشمگیر است. در مجموع می‌توان گفت که وی، شاعری طبیعت‌گرا با طبعی لطیف و ذوقی سرشار است. این ویژگی‌ها باعث شده در توصیف مناظر، بسیار ماهر باشد و بخشی از ذوق شاعری خود را در این عرصه نشان دهد.

واژه‌های کلیدی: سلمان ساوجی، غزلیات، طبیعت، تخیل.

^۱ . کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جهرم، جهرم، ایران. abyar.fereshteh@gmail.com



۱- مقدمه

ملک الشعرا خواجه جمال الدین سلمان ابن علاء الدین محمد ساوجی معروف به سلمان ساوجی از بزرگترین شعرای قرن هشتم است. «وی در خاندن نسبتاً معروفی به جهان آمده بود. پدرش خواجه علاء الدین ساوجی مردی اهل قلم بوده است. ولادت سلمان در شهر ساوه، در اوایل قرن هشتم و در حدود سال ۷۰۹ هجری اتفاق افتاد و ظهورش در شعر و اشتهارش در این فن، پس از کسب مقدمات علوم و آموختن آداب دیوانی و علم سیاق، در اواخر عهد ایلخانان و به هنگام وزارت غیاث الدین محمد بوده است» (صفا، ۱۳۷۱: ۱۰۵). وی در سال ۷۷۸ هجری وفات یافت. شاعران برای بیان افکار، عقاید و احساسات خویش از عنصر و پدیده‌ای استفاده می‌کنند. حوادث، آموخته‌ها و عناصری که در اطراف شاعر وجود دارند همگی باعث می‌شوند که با استفاده از تصویرسازی، احساسات و اندیشه‌های خود را به مخاطب نشان دهد. با مطالعه‌ی این اشعار می‌توان به لایه‌های پنهان اندیشه و سلوک اخلاقی شاعر و مسائل آن دوره دست یافت. در شعر فارسی، طبیعت در کانون توجه بسیاری از شاعران قرار دارد. به گفته‌ی الیزابت درو «شعری که از طبیعت سخن بگوید، در همه‌ی اعصار مورد نظر شاعر است؛ اگرچه نوع آن به اختلاف ذوق هر دوره و حساسیت شاعران، متفاوت است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۱۸).

تأثیر و بازتاب طبیعت، با توجه به نوع نگرش و طرز تفکر شاعران، تنوع وسیعی از تصاویر شعری را به نمایش می‌گذارد. «انتخاب موضوع وصف طبیعت برای بررسی دو دلیل دارد: یکی آن‌که این وصف، در اشعار بازمانده از شاعران، جایگاه درخور توجهی به خود مخصوص داشته است؛ دیگر آن‌که از تحقیق در این زمینه آشنایی با آن «سنن کلامی و فکری» حاصل می‌شود که بذر گسترش و پرورش مضامین را در دوره‌های ادبی بعدی دربر دارند و این خود به درک ارزش و اهمیت شعر غنایی فارسی کمک می‌کند» (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۵: ۱۱۸).

توصیف طبیعت یکی از بارزترین مضامین مورد استفاده‌ی بسیاری از شاعران پارسی‌گو بوده، آن‌چنان که توجه به طبیعت در آثار برخی از شاعران به حدی برجسته بوده است که به شاعر طبیعت معروف شده‌اند. به غیر از اینان دیگر شاعرانی هم که به طور مستقیم به توصیف طبیعت نپرداخته‌اند، به نحوی با طبیعت درآمیخته‌اند و در شعرهای آن‌ها، تصاویر گوناگون طبیعت برای بیان اندیشه‌ها به کار برده شده است. سلمان ساوجی از جمله شاعرانی است که مخصوصاً در قصیده و غزل، قریحه و استعداد شاعری خود را به نمایش گذاشته است. بسامد عناصر طبیعت در غزلیات سلمان ساوجی، بسیار چشمگیر است.

۲- روش پژوهش



این پژوهش به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بدین منظور ابتدا غزلیات سلمان ساوجی مورد مطالعه قرار گرفته و ابیاتی که شامل جلوه‌های طبیعت بوده، استخراج و طبقه‌بندی گشته و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در پایان، نمودار هر یک از عناصر طبیعت ترسیم شده تا مشخص گردد که سلمان ساوجی تا چه میزان از جلوه‌های طبیعت در غزلیات خود، بهره برده است.

۳- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی پیرامون غزلیات سلمان ساوجی صورت گرفته است. مقاله‌ای با عنوان "بررسی مضامین در غزلیات سلمان ساوجی" از زهرا منصوری نوری، معصومه یاری ایلی و اقدس فاتحی به انجام رسیده است که نویسندگان در این مقاله به درونمایه‌ها و مضامین پرکاربرد در غزلیات وی پرداخته‌اند. همچنین مقاله‌ای با عنوان "سبک‌شناسی لایه‌ای غزلیات سلمان ساوجی" از حدیث احمدی، مهین پناهی و سپیده یگانه به نگارش درآمده است که بر اساس آن، غزلیات سلمان ساوجی در لایه‌های نحوی و واژگانی با رویکرد آماری-تحلیل مورد بررسی قرار گرفته است. اما درباره‌ی موضوع مورد بحث ما تاکنون پژوهشی به انجام نرسیده است و هدف این است که جلوه‌های طبیعت در غزلیات سلمان ساوجی مورد بررسی قرار گیرد و میزان استفاده از این عناصر در غزلیات وی، به صورت نمودار نشان داده شود.

۴- تخیل / تصویر

خلاقیت در عالم هنر و شعر تا حدود زیادی بستگی به تخیل و تصویرآفرینی هنرمند و شاعر دارد. منتقدان برای تخیل شاعرانه دو کارکرد اصلی ذکر کرده‌اند. یکی بیان شاعرانه‌ی معانی: «هرگونه معنی دیگری را در پرتو خیال می‌توان شاعرانه بیان کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳) و دیگر «قدرتی برای ترکیب پدیده‌های متضاد به کمک احساسات و ذهنیت شاعر» (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۳۱). شاعر با استفاده از قدرت تخیل خود و با الهام از دنیای بیرون می‌تواند آنچه در ذهن دارد به صورت کلام شاعرانه بیان کند. طبیعت یک چیز است؛ ولی برداشت شاعران از آن دگرگون می‌شود. در واقع می‌توان گفت که طبیعت تغییر نمی‌کند بلکه تأملات شاعران، متفاوت است. نگاه موشکافانه به طبیعت در آثار برخی از شاعران بیشتر از دیگران به چشم می‌خورد. از شاعران قدیم، منوچهری به شاعر طبیعت و از میان شاعران معاصر، این سهراب سپهری است که توجه ویژه‌ای به عناصر طبیعت داشته است. «بررسی صور خیال شاعرانه یکی از راه‌های تشخیص افتراق و اشتراک آثار ادبی است. بررسی از این دیدگاه در نهایت، سبک و ارزش هنری اثر را روشن می‌سازد و میزان قدرت و نوآوری و بهره‌گیری از میراث گذشتگان را مشخص می‌کند» (طالبیان، ۱۳۸۱: ۹۸).



«تصویر شاعرانه که نتیجه‌ی تخیل خلاق است در آثار ادبی بر دو نوع کلی است: الف) تصاویری که حاصل خودآگاه شاعر/ مؤلف است و رابطه‌ی دال و مدلول در فرایند تصویرگری، مستقیم است. این‌گونه تصویر سازی را در آثار نویسندگان و شاعران واقع‌گرا بیشتر می‌توان سراغ جست. ب) تصاویری که از پیوند میان دو یا چند چیز که ظاهراً ارتباطی با یکدیگر ندارند، حاصل می‌گردد. خاستگاه روانی این تصاویر معمولاً ضمیر ناخودآگاه شاعر/ مؤلف است. این نوع تصاویر، چند معنایی و مبهم هستند. بسیاری از غزلیات مولوی و حافظ و برخی اشعار شاعران معاصر چون نیما از این جمله‌اند» (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۵۳). فردی که به شعر و ادبیات علاقه داشته باشد، با مطالعه‌ی این‌گونه اشعار به تصاویر ذهنی شاعر پی می‌برد و در جست و جوی معانی و رفع ابهام‌ها است؛ به همین دلیل کشف نکات جدید و رمزگشایی سخنان مبهم، وی را به شگفتی وامی‌دارد. «از آنجا که هرکسی در زندگی خاص خود، تجربه‌هایی ویژه‌ی خویش دارد، طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه‌ی خاصی دارد که ویژه‌ی خود اوست و نوع تصاویر هر شاعر صاحب اسلوب و صاحب شخصیتی بیش و کم اختصاصی اوست و آنها که شخصیت مستقل شعری ندارند، اغلب از رهگذر اخذ و سرقت در خیال‌های شعری دیگران آثاری به وجود می‌آورند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۱). بر این اساس، آن تصاویری از طبیعت مخاطب را به شگفتی وامی‌دارد که اولاً نتیجه‌ی مواجهه‌ی خود شاعر با طبیعت باشد و ثانیاً شاعر با استفاده از تخیل خلاق، بار معنایی آن را گسترش دهد و افکار و عواطف خود را با کلامی شاعرانه بیان کند. پاره‌ای از محققان معتقدند از منظر صور خیال، مواجهه‌ی شاعران با طبیعت به چهار شیوه است: «۱- توصیف شاعرانه‌ی عناصر طبیعت ۲- شخصیت بخشی به عناصر طبیعت ۳- سمبلیک کردن عناصر طبیعت ۴- از بین بردن فاصله میان انسان/ شاعر با طبیعت» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۵۷۴). اکنون به بررسی جلوه‌های طبیعت در غزلیات سلمان ساوجی می‌پردازیم

۵- عناصر اربعه

عناصر اربعه شامل: آب، آتش، باد، خاک و مشتقات آنها در مجموع، ۸۸۲ بار در غزلیات سلمان ساوجی به کار رفته است.

۱-۵- باد

عنصر باد با ۲۹۳ مورد، پربسامدترین عنصر در میان عناصر اربعه است. باد صبا که قاصد عاشقان و نماد پیام آوری برای دل‌سوختگان است، بیشترین کاربرد را دارد. این واژه به خصوص از دوره‌ی سبک عراقی به بعد در ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. تعریف باد صبا در فرهنگ لغت دکتر معین چنین آمده است: «بادی که از جانب شمال شرقی وزد و آن بادی خنک و لطیف است» (معین، ۱۳۸۱: ۹۷۹). در کتاب حافظ‌نامه از بهاء‌الدین خرمشاهی چنین



می‌خوانیم: «صبا بادی است که در صبح و وقت طلوع آفتاب از مشرق می‌وزد. بادی لطیف و خنک است، نسیمی خوش دارد و گل‌ها از آن بشکفد و عاشقان راز با او گویند» (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۱۱۸). باد صبا در غزلیات سلمان ساوجی هم به عنوان پیام‌آور به کار رفته است.

حالم از باد صبا پرس که در صحبت او
جان بیمار مرا پیش تو پیغامی هست (ساوجی، ۱۳۷۱: ۷۰)
خبر من که برد غیر صبا بر در دوست
ای صبا خیز، تو را سلسله‌ای بر پا نیست (همان: ۹۰)

نمونه‌ی دیگری از کاربرد عنصر باد در غزلیات ساوجی، بیان می‌شود که به عنوان باد بهاری و باد خزان بیان شده است.

بی بوی خوشت بر دل من باد بهاری
حقا که بسی سردتر از باد خزان شد (همان: ۱۶۳)
ما از در او دور و چنین بر در و بامش
باد سحری می‌گذرد، باد حرامش (همان: ۲۷۴)

۲-۵- آب

آب و مشتقات آن مانند: باران، بحر، دریا، شبنم، قطره، ماء، رود، چشمه، سیل با ۲۷۶ مورد، دومین عنصر پرکاربرد است. جایگاه عنصر آب در میان عناصر اربعه، همواره آن را از مهم‌ترین پدیده‌های مورد توجه شاعران و ادیبان قرار داده است.

چو آب آشفته می‌گردم به هر سو تا مگر روزی
سعدت در کنار من نشاند سروبالایی (همان: ۴۰۹)
می‌خروشد بحر و می‌گوید به آواز بلند
هرکه در ما غرقه گردد عاقبت از ما شود (همان: ۲۷۷)

عنصر آب در تعدادی از ابیات به صورت مشابه به کار رفته است که به چند مورد از آن اشاره می‌شود.



سیل اشکم ز فراق تو جهان کرد خراب سعی کن سعی که این سیل به دریا نرسد (همان: ۲۰۱)
بس که بارید از هوا باران محنت بر سرم مردم چشم مرا در خانه آب افتاده است (همان: ۳۴)

در اینجا سیل اشک و باران محنت، آرایه‌ی تشبیه بلیغ اضافی (اضافه‌ی تشبیه‌ی) به وجود آورده‌اند. «اضافه‌ی تشبیه‌ی، تشبیه‌ی است که در آن مشبه و مشبه‌به به هم اضافه شده باشند و در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه حذف شده است. به این گونه تشبیه در علم بیان، تشبیه بلیغ می‌گویند یعنی تشبیه عالی و رسا» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۱۰)

همچنین در تعدادی موارد منظور از کاربرد عنصر آب، اشک شاعر است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

دلیم می‌جویدت در آب دیده دلی را جو که جویای تو باشد (ساوجی، ۱۳۷۱: ۱۵۶)
به آب دیده هر ساعت نویسم نامه‌ای لیکن تو حال ما نمی‌پرسی و نقش ما نمی‌خوانی (همان: ۴۲۰)

۳-۵- خاک

خاک و اشکال مختلف آن مانند گل، گرد و تُراب با ۲۰۶ مورد، سومین عنصر پرکاربرد است. در موارد بسیاری از عنصر خاک به عنوان خاک آستان، خاک کوی یار و خاک پای معشوق به کار رفته است.

عشاق سر تاج ندارند، که دارند از خاک کف پای تو تاجی به سر خویش (همان: ۲۷۰)
پای باد از پی آن هر نفسی می‌بوسم که به خاک سر کوی تو گذاری دارد (همان: ۱۲۲)

همچنین در تعدادی از ابیات، شاعر خود را مانند خاک، حقیر و پست و خوار می‌داند. مانند:

بر بوی جرعه‌ای که ز جامش به ما رسد خود را چو خاک بر در او خوار کرده‌ایم (همان: ۳۰۷)
چون خاک رهم ساختی از خواری و آنگاه پای از سر این بی سر و پایاز گرفتی (همان: ۳۹۰)



شاعر در تعدادی از ابیات از عنصر خاک به عنوان خاک مزار خود بهره برده است.

چون به پرسیدن سلمان ننهادهی قدمی
هرکه در بند سر زلف تو مرد از خاکش
بگذر بر سر خاکش به گذاری باری (همان: ۴۱۶)
سال‌ها بوی خوش مشک تتر آید باز (همان: ۲۶۳)

۴-۵- آتش

آتش و مشتقات آن مانند: دود و شعله، ۱۰۷ بار به کار رفته و در بیشتر موارد به عنوان آتش عشق استفاده شده است که وجود عاشق را می‌سوزاند و هیچ چاره‌ای جز دیدار معشوق، او را آرام نمی‌کند.

هست در من آتشی روشن، نمی‌دانم که چیست؟
با آتش عشق تو کجا جای قرار است؟
این قدر دانم که همچون شمع می‌کاهم دگر (همان: ۲۵۲)
با این دل دیوانه که را برگ صبوری است؟ (همان: ۹۱)

عنصر آتش در برخی موارد به عنوان مشابه به کار رفته است.

آنچنان آتش عشق تو خوش آمد دل را
رسن زلف تو سر رشته‌ی جان من و شمع
که بیفتاد به یکبارگی از چشمم آب (همان: ۲۵)
هر یک از آتش رخسار تو تابی دارد (همان: ۲۱۷)

۶- عناصر آسمانی و اجرام سماوی

سلمان ساوجی در مجموع ۶۰۹ بار از عناصر آسمانی و اجرام سماوی استفاده کرده است. شب و اشکال مختلف آن مانند: شام و لیل ۱۷۲ بار، خورشید (خور، آفتاب، مهر) ۱۰۰ بار، روز ۸۰ بار، صبح ۷۵ بار، ماه (مه، قمر) ۷۴ بار، سحر ۳۵ بار به کار رفته است. اجرام سماوی مانند: میخ، فلک، ابر، زهره، نور، اختر، سپهر، کوكب، ثریا، آسمان، پروین و سحاب در مجموع ۷۳ بار در غزلیات سلمان ساوجی به کار رفته است.

شب که بیشترین بسامد را دارد به عنوان شب هجران و فراق استفاده شده است که شاعر امیدی به صبح وصال ندارد و ناله‌های شبانگاهی سر می‌دهد.



شام هجران تو را خود سحری نیست پدید
شب فراق تو را روز وصل پیدا نیست
صبح امید مرا هر نفسی شامی هست (همان: ۷۰)
عجب شبی که در این شب امید فردا نیست (همان: ۷۶)

در تعدادی ابیات، صورت و زلف معشوق به روز و شب تشبیه شده است. مانند:

روز رخسار تو شد در شب زلفت پیدا
زلف مشکین حلقه‌اش بر روی گلگون بسته‌اند
صبحدم فاتحه‌ای خولند و بر آن روی دمید (همان: ۱۲۶)
من ندانم روز و شب با یکدگر چون بسته‌اند (همان: ۱۳۹)
واژه‌ی خورشید و ماه علاوه بر اینکه در معنای خود به کار رفته است در بسیاری از ابیات، چهره‌ی زیبای معشوق به خورشید و ماه تشبیه شده است که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود.

خورشید رخا سایه ز ما بازگرفتی
روی خوبت ماه تابان من است
وز من نظر مهر و وفا بازگرفتی (همان: ۳۹۰)
ماه رویا، روی خوب از من متاب (همان: ۲۶)
سلمان ساوجی در یکی از ابیات، ابروی یار را به هلال ماه نو تشبیه کرده است و حتی از ماه نو نیز برتر می‌داند و تشبیه مرجح (تفضیل) ساخته است. در این نوع تشبیه، شاعر مشبه را به مشبه به مانند می‌کند اما آن را به نوعی بر مشبه به برتری می‌دهد.

شکل ماه نو خم ابروی او را راستی
نیک می‌ماند، دریغا ماه نو پیوسته نیست (همان: ۷۲)
نمونه‌هایی از اجرام آسمانی در غزلیات سلمان ساوجی ذکر می‌گردد.

ما کجا در تو توانیم رسیدن که فلک
گویی چرا به منزل ما هم نمی‌رسد
در پی‌ات بی‌سر و پا گرد جهان می‌گردد (همان: ۲۰۴)
آهم که از ثری به ثریا همی رود
(همان: ۱۸۷)



مناظر طبیعت شامل درخت، گل، باغ، بوستان و ... در مجموع ۵۸۹ بار در غزلیات سلمان ساوجی مورد استفاده قرار گرفته است. بسامد بالای این عناصر نشان‌دهنده‌ی روح پر انرژی و طبع لطیف شاعر است. واژه‌ی گل و انواع مختلف آن مانند: نرگس، سنبل، بنفشه، یاسمن، ارغوان، سوسن، نسرين، لاله و نسترن ۱۸۵ بار استفاده شده که پربسامدترین عنصر است. باغ، بوستان، گلشن، گلزار، چمن، بوستان، گیاه، سبزه، روضه، دشت، حدیقه و برگ ۱۷۳ بار، درخت و انواع آن مانند: سرو، شمشاد، بید، نخل، چنار، صنوبر، نارون، رز و نهال ۱۲۰ مرتبه، صحرا، بادیه، سنگ (لعل، یاقوت، گوهر، در)، کوه ۹۰ بار و خوراکی‌ها شامل: گندم، ریحان، پسته، گلاب، میوه، عناب، کدو، حنظل و رطب در مجموع ۲۱ بار در غزلیات سلمان ساوجی دیده می‌شود؛ همچنین سرو، نرگس و لعل در میان این عناصر از همه برجسته‌تر است که شاعر از آن به عنوان تشبیه برای توصیف زیبایی‌های معشوق به کار برده است.

لب لعل تو چو کام دل عشاق دهد جان چه باشد که روان از بن دندان ندهم؟ (همان: ۳۳۲)
بی سرو قدت کار طرب راست نیاید بی شمع رخت عیش مرا نور نباشد (همان: ۲۰۷)

سلمان ساوجی از واژه‌ی خار به عنوان خار غم، هجران و جفا استفاده کرده است.

بر دل من ز تو حاشا که بود خاشاکی خار و خاشاک جفایت گل و ریحان من است (همان: ۶۵)
در دل ما خار غم بشکست و غم در دل بماند چیست یاران چاره‌ی غم‌های بی‌پایان ما (همان: ۱۹)

گل نرگس در ادبیات فارسی، استعاره از چشم است که سلمان ساوجی نیز در همین معنا آورده است. «استعاره به کار بردن واژه‌ای به جای واژه‌ی دیگر به علاقه‌ی مشابهت (و وجود قرینه) است یا تشبیهی است که از آن فقط مشبه به به جا مانده باشد. به این نوع استعاره، استعاره‌ی مصرحه یا تصریحیه یا محققه یا تحقیقیه می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۴۵). بر اساس پژوهشی که با عنوان "جایگاه استعاره در غزل سبک عراقی" صورت گرفته است چنین بیان می‌شود که «شاعرانی چون: حافظ، کمال الدین اسماعیل، خواجه، جمال الدین عبدالرزاق و سنایی، به ترتیب بیشتر از دیگران استعاره‌گرا هستند و بعد از آن‌ها مولوی و سلمان ساوجی در رتبه‌های پایین‌تر قرار دارند. سعدی، خاقانی و عطار به نوعی تعادل و تساوی را میان تصاویر تشبیهی و استعاره‌ی خود رعایت کرده‌اند و فخرالدین عراقی، کمترین میزان استعاره را در غزل به خود اختصاص داده است» (آقاحسینی و نیکبخت، ۱۳۹۰: ۲۵).

همیشه نرگس مست تو را بیمار می‌بینم ولی در عین بیماریش مردم‌دار می‌بینم (ساوجی، ۱۳۷۱: ۳۲۱)
نرگس مست خوشتر گرچه چو من بیمار است



ای خوشا نرگس مست تو که خوابی دارد (همان: ۲۱۷)

هجرا و فراق در یک بیت به کوه تشبیه شده است.

فراق بر دل نادان چو کاه برگی نیست ولیک بر همه‌دان همچو کوه الوند است (همان: ۳۹)

۸- جانوران

انواع پرندگان مانند: بوم، طاووس، تیهو، بلبل، هما، عقاب، باز، طوطی، هدهد، کبوتر، گنجشک، شهباز، مرغ، هزار، فاخته، خروس، عندلیب و زاغ در مجموع ۹۲ بار در غزلیات سلمان ساوجی دیده می‌شود که از میان آن‌ها بلبل با ۴۳ مورد از همه برجسته‌تر است. «بلبل نام پرندۀ ای از تیره‌ی گنجشک‌ها. از قدیم الایام به سبب چهچه‌ی دل‌انگیز و نغمات موزونش در ادبیات، خاصه ادبیات شرقی و به خصوص ادبیات فارسی، مقامی بلند داشته است. بلبل از قهرمانان همیشه حاضر غزل فارسی به ویژه غزل سعدی و حافظ است. به نام‌های گوناگون خوانده می‌شود: هزار که کوتاه شده‌ی هزاران داستان یا هزارستان یا هزار آوا است. مرغ چمن، مرغ خوشخوان، مرغ سحر، عندلیب. بلبل به سه صفت معروف است. ۱- عاشقی و شیدایی (معشوق او گل است). ۲- فصاحت و سخنوری ۳- خوشنوايي» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

بلبل و گل ساختند از نو نوای برگ عیش هرکه را برگ و نوایی هست عیش اکنون کند (ساوجی، ۱۳۷۱):
بلبل شنید ناله‌ی من در فراق یار (۱۸۶)

مستانه نعره‌ای زد و از خویش‌تن برفت (همان: ۱۰۳)

حشرات مانند: پروانه و مگس ۳۳ بار به کار رفته است که در میان این دو، پروانه با ۲۸ مورد بیشترین کاربرد را دارد. پروانه نماد عاشق است که در راه عشق می‌سوزد و جان خود را فدای معشوق می‌کند.

عاشق ثابت قدم پروانه را دیدم که او باخت جان در عشق و روی از شمع تابان بر نتافت (همان):
دورم از شمع جمال تو ولی نزدیک است (۹۹)

که چو پروانه بسوزد همگی بال و پریم (همان: ۳۳۴)

سایر جانوران مانند: اسب، شتر، شیر، روباه، آهو، ماهی، سگ و مار در مجموع ۲۵ بار در این غزلیات، مشاهده می‌شود.

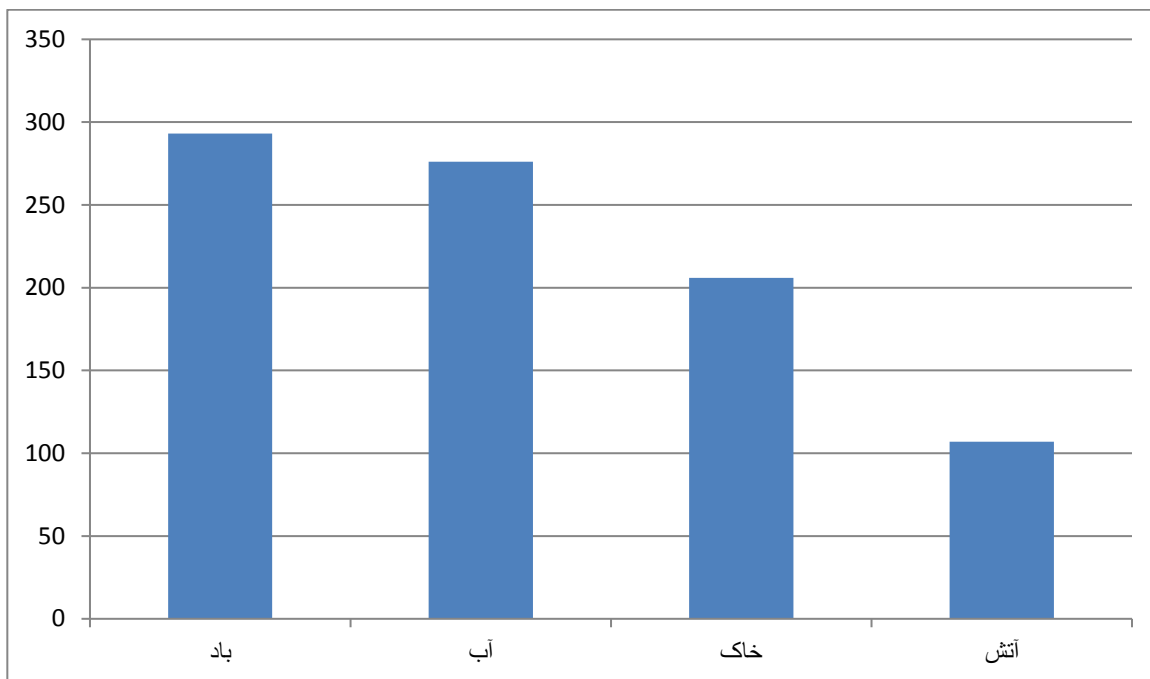


از سم اسبش نشانی یافتم، رفتم ز پی / گفت سلمان نعل این مرکب دگرگون بسته‌اند (همان: ۱۳۹)
گردن شیران به روبه‌بازی آرد در کمند / طره‌ی او کز کمندش هیچ صیدی جسته نیست (همان: ۷۲)

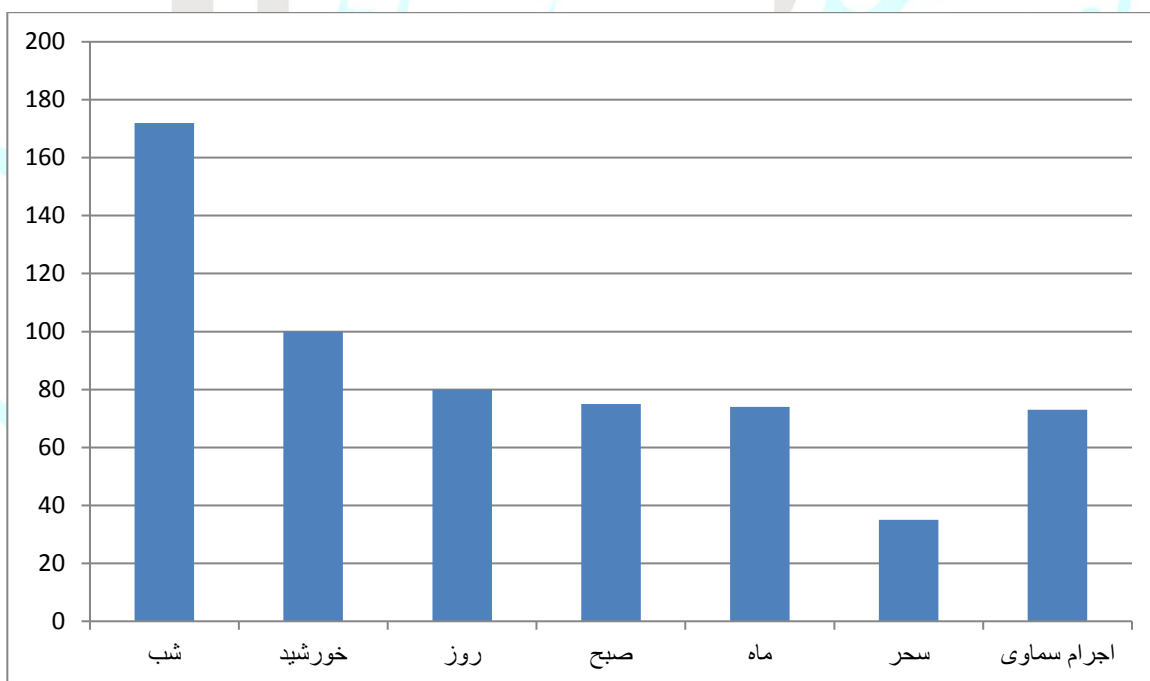
۹- نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی‌ها نشان می‌دهد که جلوه‌های طبیعت در غزلیات سلمان ساوجی بسیار چشمگیر است و شاعر با استفاده از آن‌ها به تصویرآفرینی می‌پردازد. عناصر اربعه در غزلیات سلمان ساوجی ۸۸۲ بار به کار رفته است که عنصر باد پرسامدترین عنصر و باد صبا که نماد پیام‌آوری است، بیشترین کاربرد را دارد. عناصر آسمانی در مجموع، ۶۰۹ بار دیده می‌شود و از میان این عناصر، واژه‌ی شب، بسامد بالایی دارد که به عنوان شب هجران و فراق، بیان شده است. مناظر طبیعت مانند: گل، باغ، بوستان و... که ۵۸۹ بار به کار رفته است، نشان‌دهنده‌ی روح پر انرژی و ذوق هنرمندانه‌ی شاعر است. در میان اسامی جانوران که ۱۵۰ بار ذکر شده است، بلبل بیش از همه خودنمایی می‌کند و در کنار گل به نغمه‌سرایی می‌پردازد. آرایه‌ی تشبیه، وسیع‌ترین عرصه برای نشان دادن مناظر طبیعت در غزلیات سلمان ساوجی است که شاعر به عنوان اضافه‌ی تشبیه‌ی به کار برده و با استفاده از ساختار تشبیه، قریحه و احساسات خود را ترسیم نموده است. سلمان ساوجی همچنین از استعاره‌ی مصرحه برای بیان اندیشه‌های خویش بهره گرفته است. در مجموع می‌توان گفت که ساوجی، شاعری با طبعی لطیف و ذوقی سرشار است که از عناصر طبیعت به زیبایی بهره برده و مهارت خود را در تصویرآفرینی و خلق کلام شاعرانه به نمایش گذاشته است.

نمودار شماره یک: بسامد عناصر اربعه در غزلیات سلمان ساوجی (۸۸۲ مورد)

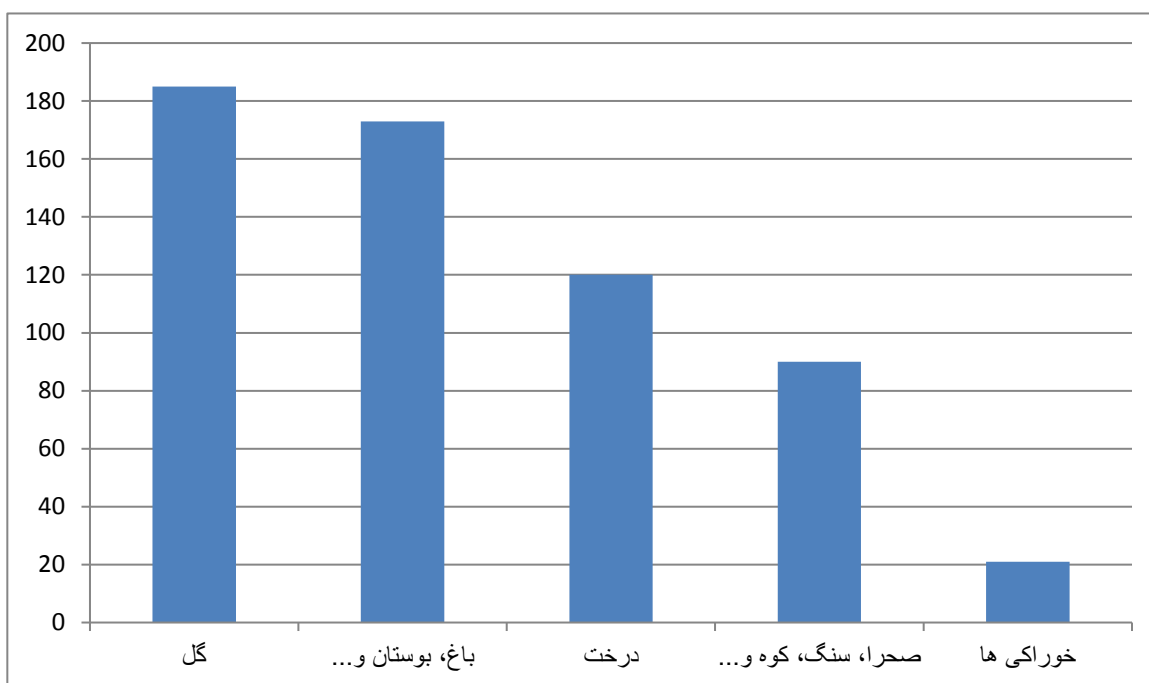


نمودار شماره دو: بسامد عناصر آسمانی و اجرام سماوی (۶۰۹ مورد)



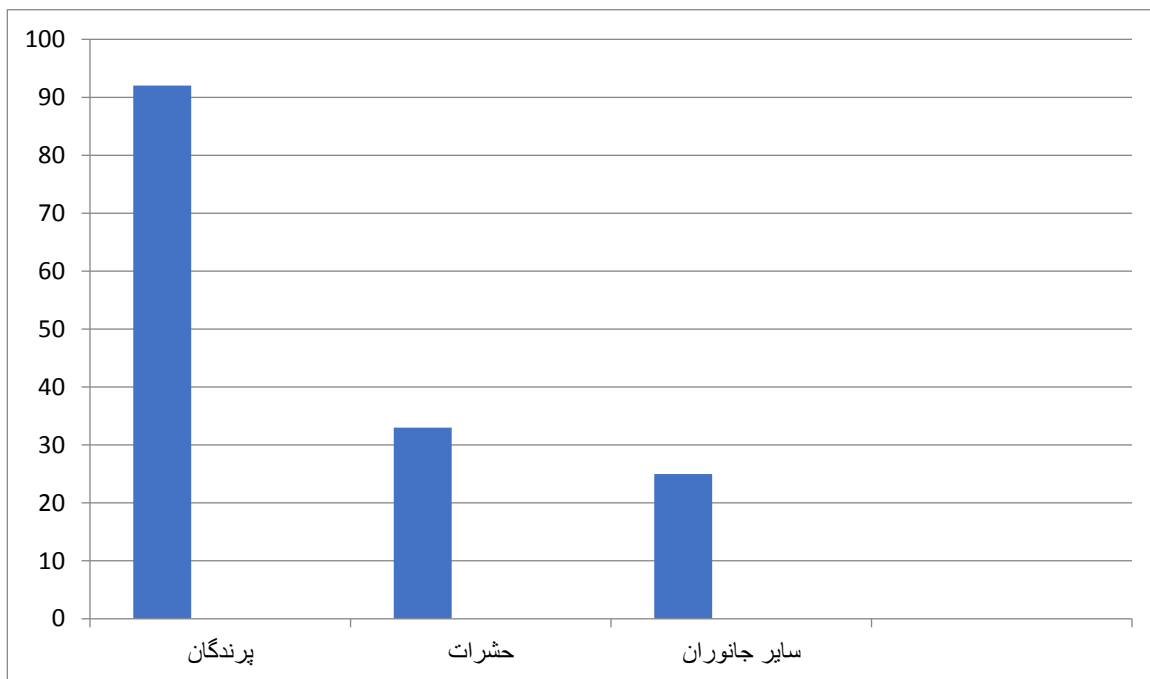


نمودار شماره سه: مناظر طبیعت (۵۸۹ مورد)



نمودار شماره چهار: جانوران (۱۵۰ مورد)







منابع

- آقا حسینی، حسین؛ نیکبخت، عباس. (۱۳۹۰). «جایگاه استعاره در غزل سبک عراقی». نشریه ادب و زبان. شماره ۳۰.
- براهنی، رضا. (۱۳۸۰). طلا در مس. تهران: زریاب.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۰). در سایه آفتاب. تهران: سخن.
- خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۸۰). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۳). چشم انداز شعر معاصر ایران. تهران: ثالث.
- ساوجی، سلمان. (۱۳۷۱). دیوان اشعار. به تصحیح ابوالقاسم حالت. تهران: سلسله نشریات ما.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۷۵). «وصف طبیعت در شعر غنایی فارسی». نامه فرهنگستان. شماره ۸.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). بیان. تهران: مجید.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم. تهران: فردوس.
- طالبیان، نیک پناه. (۱۳۸۱). «مقایسه صور خیال در شعر بیدل و نیما». مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز. دوره ۱۷. شماره ۲.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. جلد اول. تهران: راه نو.



Investigation the effects of nature in Salman Savoji's sonnets

Fereshteh Abyar²

Abstract

Description of nature has been one of the most prominent themes used by many Persian-speaking poets, and since the distant past, they have had a lot of love and affection with the manifestations of nature. The effect and reflection of these effects, according to the type of attitude and way of thinking of the poets, displays a wide variety of poetic images. Their perception of nature reflects their thoughts, ideas and feelings. The main issue in this article is to investigate the effects of nature in Salman Savoji's sonnets. For this purpose, his sonnets were first studied and the verses that express the phenomena of nature were extracted and then analyzed and investigated. The frequency of the effects of nature in Savoji's sonnets is very impressive. In general, it can be said that he is a nature-oriented poet with a gentle nature and rich taste. These features have made him very skilled in describing landscapes and show part of his poetic taste in this field.

Key words: Salman Savoji, sonnets, nature, imagination.

² . Master of Persian Language and Literature, Jahrom University, Jahrom, Iran.// abyar.fereshteh@gmail.com